طراحی و آشنایی با مراکز مواد و منابع یادگیری

فصل دوم: اهداف و تجربه های جدید آموزشی و کارکرد مراکز فراگیری

عطیه بزرگی زاده – سمانه سادات مصباحی

اهداف و تجربه های جدید آموزشی

- اساس تمدن و پیشرفت آن را بر رفاه انسان گذاشته اند.
- یکی از ارکان مهم زندگی فراهم آوردن اطلاعات لازم برای هر فرد بدون رنج و ناراحتی است.
- یکی از راههای موثر برای آماده سازی یادگیرندگان برای یادگیری مطالبی که مورد آموزش قرار می گیرند, استفاده از پیش سازمان دهنده هاست.
- هدف پیش سازمان دهنده ها ← تهیه مجموعه ای از مفاهیم مربوط به یادگیری که پیش از آموزش جزییات تفضیلی در اختیار فراگیر قرار می گیرند. این کار به دانش قبلی فراگیر کمک و آنها را تقویت می کند.

- یادگیری از لحاظ روانشناسی شناخت, تعاملی است خلاق و فعال که بدون وقفه بین فرد و محیط او جریان می یابد که به موجب آن نیازهای فردی او را هم از لحاظ درونی و هم از لحاظ بیرونی برطرف می سازد.
- در روانشناسی شناخت پردازش محیط از طریق تعامل آگاهانه با محیط حاصل می شود.
- فرد خود را در صحنه واقعی و رویارویی مشکل مشاهده می کند و به حل مسئله می پردازد.
- یادگیری ازین طریق فعال و عمیق است و فرد را برای برخورد با تجارب واقعی آماده میکند.

- با کاربرد **رایانه** ها در فراگیری، زمینه های بهره گیری از روش حل مسئله گسترده می شود. (شبیه سازی موقعیت ها)
- فراگیر با درنظر گرفتن راه های مختلف آزموده می شود و سرانجام کشفی صورت می گیرد که نتیجه آن به طور لذت بخشی **دانش** است.
- در نظام یادگیری فراگیر فعالانه به صورت **مکتشف** عمل می‌کند. چنین فراگیری های لذت‌بخشی ماندنی، عمیق و تعمیم پذیر به زندگی و نیازهای پیش آمده در آن خواهند بود و هیچگاه فراموش نمیشوند.

- امروزه **فناوری های چند رسانه ای** که از ترکیب گفتار، نوشتار، نمودار، موسیقی، فیلم، عکس، اسلاید و نقاشی متحرک به وجود می‌آید قدرت تعاملی آنچنان بالایی دارد که فرصت انتخاب وسیع و چالشهای عمیق را برای یادگیرنده فراهم می‌کند. این امر به نحوی برنامه‌ریزی شده است که طی آن فراگیر می‌تواند راه‌های متعددی را انتخاب کند و اطلاعات گوناگون و فراوانی را در اختیار گیرد.
- از نظر روانشناختی این کار به منزله جستجوی بهترین راه حل برای کشف یک اطلاع یا دانش به حساب می آید.

- عامل دیگر در فراگیری خودجوش و فعال **تصمیم گیری** است.

- تصمیم گیری نوعی حل مسئله است. حل مسئله یک جستجوی ذهنی در فضای مسئله و انتقال از یک حالت به حالت دیگر است تا فرد به هدفش برسد. حل مسئله یک عمل هدف دار در جهت رفع نیاز اطلاعاتی و شهودی است.

اهداف و تجربه های جدید آموزشی از نظر برنامه

- فناوری های جدید به خصوص فناوری اطلاعات و ارتباطات, موجب تحولات فناوری آموزش شده است.
- دانشها, اندیشه ها, نگرش ها و ارزشهای فرد در تعامل با دیگران تحول می یابد و یک فراشناخت عمومی اجتماعی حاصل میشود. بنابراین جنبه های فرهنگی, تاریخی و اجتماعی در رشد شناختی بسیار اهمیت دارد. دراین رهگذر کارکردهای عالی ذهن جانشین کارکردهای نخستین یا طبیعی و غریزی انسان مانند توجه کردن, حس کردن و ادراک و سایر رفتارهای معمولی می شوند.

- حل مسئله از طریق کارکردهای عالی ذهنی عمدتا از راه تاثیرات فرهنگی و در مسیر تحولات اجتماعی میسر میشود.

تاکید فلسفه شناختی بر تعامل میان فرد و زمینه اجتماعی

از نظر پیاژه : پیدایش ساخت شناختی در سبب می شود مطالب معنی دار به سهولت یاد گرفته شوند.

از نظر برونر: **تفکر** بازده اصلی رشد شنناختی است.

- توجه روانشناسان به نظریه‌های شناختی و تحول دیدگاه‌های دو دهه اخیر به قدری زیاد بوده که آنرا با **انقلاب شناختی** مترادف دانسته اند.
- از این دیدگاه آموزش و پرورشی که قرار است انسان را برای آینده آماده کند باید به چالشهای تحولات سریع کنونی که رو در روی نسل حاضر قرار میگیرد پاسخ بگوید. به همین دلیل به ماهیتی **زاینده**, **پویا**, **تغییر پذیر** و **منعطف** نیاز دارد.

نقطه عطف ← نیاز به اصلاح آموزش و پرورش فعلی هماهنگ با مسیر جهانی متناسب با فناوریهای جدید

- در عصر امروز دیگر نظام تربیتی مبتنی بر انتقال دانش به صورت آموزش رسمی پذیرفته نیست. و تاکید بر یادگیری موضوعاتی است که بر نیازهای جاری و پیش آمده متکی است نه تدریس مفاهیمی که به سرعت معنی و اعتبار خود را از دست می دهند.
- نقش جدید معلم در این نظام, در قالب راهنما باوری در بالنده ساختن انسان خواهد بود.

و انتقال اطلاعات از طریق رایانه ها و سایر رسانه ها صورت میگیرد نه صرفا از طریق معلم.

فراگیر از حالت انفعالی خارج می شود.

- اصلاح کیفی نظام آموزشی کشور نمی تواند فرایندی باشد که با اقدام یا اقداماتی ضربتی بتوان همه چیز را با روند جهانی تغییرات سازگار کرد. بلکه باید با توجه به نیازهای سازمانی افراد و گروه ها در جامعه و اجرای عدالت اجتماعی و دموکراسی, زمینه الگوهای رشد ساختاری را با تنوع و معقول فراهم کرد.

پروش تواناییهای **«احساس نیاز واقعی به اطلاعات مربوط به زندگی روزمره»**و

«درست پرسیدن و تدوین نمودن مسئله»

↓

جا انداختن یادگیری خودانگیزشی و مستقل

↓

افزایش دانش همگانی

اهداف و تجربه های جدید آموزشی از نظر نظام

عواملی که در بهبود نظام دانشی کشور موثر هستند:

- گردآوری تجارب موفق یادگیری
- نوآوریهای خلاق در این زمینه
- توجه به تجهیزات, مواد و منابع یادگیری موجود
- جمع آوری اطلاعات تخصصی و طبقه بندی و فهرست نوسی آنها

فناوری های آموزشی ← فناوری یادگیری

- انتقال صرف اطلاعات توسط معلم نتیجه بخش نیست.
- تفاوت **دانش آموزی** و **فراگیری** مثل تفاوت میان بساز و بفروشها و خریداران واقعی مسکن است.

نظام آموزشی ← نظام یادگیری

- فناوری یادگیری می تواند با تکیه بر فلسفه و نگرش شناختی, ایجاد خلاقیت و انگیزه, ابزارها و تجهیزات اطلاع رسانی را به عنوان اهرمی برای بالابردن سطح توقع, بهورزی و بهزیستی مردم جامعه به کار گیرد.

اهداف و تجربه های جدید آموزشی از نظر یادگیری

دنیای امروز ← **دنیای اطلاعات و انفجار علم**

- تقسیم دنیا به دو قطب پیشرفته و عقب مانده رشد و توسعه از شرق به غرب

شبکه‌های اطلاعاتی وب (Web) و اینترنت (Internet) روش‌ها, نظام‌ها و متخصصان بسیاری را با زمینه‌های متفاوت و عملکردهای مختلف در کنار یکدیگر قرار می‌دهد.

یادگیری های نو با روشهای جدیدی که از طریق شبکه اطلاعاتی استراتژیک و تولید شده حاصل می شوند, در نهایت به صورتی شبکه گونه در یک جامعه به کار گرفته خواهد شد.

- معلم واقعی امروزی **رایانه** ای است که بدون تکلم یا حتی با ایجاد صدای دیجیتالی, بدون نیاز به دفتر و کاغذ اطلاعات را از طریق علایم نوشتاری, رنگ, حرکت و ... به ما انتقال می دهد. فراگیر هم نیازی به کاغذ و دفتر ندارد که تکالیف را بازنویسی کند.

- ارتباط انسانی بین معلم و شاگرد در گذشته به صورت **عمودی** بوده ولی در نظام امروزی به صورت افقی و **هم‌سطح** است .

نظام یادگیری نو:

یادگیری از طریق انتقال دانش به وسیله آموزش

یادگیری از طریق دلخواه و انتخاب رسانه اطلاع دهنده کلیت درک و فهم از محیط

- تغییرات شگرف امروزی سوادآموزی از نوع جدیدی را ایجاب میکند.
- به قول تافلر: «هر دورانی آموزش و پرورش ویژه خودش را می طلبد.»

- سرعت دیجیتالی شدن فرهنگ معاصر فرهنگ خاصی را به وجود می آورد که در آن اطلاعات گوناگون تصویری از یک فرهنگ هزار تکه موزاییکی را به ما معرفی میکند, حرفهای جدیدی به وجود می آیند که هنوز بیان نشده اند و در قالب آموزش در نیامده اند و در این حال موضوعات دیگر از راه میرسند.

- در این شرایط به نوعی فراشناخت احتیاج داریم. یعنی یادگیری چگونه یادگرفتن, یعنی یاد بگیریم چگونه فرابگیریم.

- با توجه به شرایط امروزی بهتر است به جای برنامه ریزی برای هرگونه یاددهی موضوعات برنامه ریزی شده به صورت آموزش, بیشتر در قالب گسترش ابعاد تجربه ها و تواناییهای شخصی و به نوعی خودگستری پویا و خود جوش بیندیشیم.

از توجه شما سپاسگزارم.

به نام خدا

بخش دوم فصل دوم کتاب طراحی و آشنایی با مراکز

مواد و منابع یادگیری

استاد: سرکار خانم دکتر انصاری

تنظیم و ارائه: سمانه سادات مصباحی

کارکر و نقش
مراکز فراگیری در
جوامع امروزی

بسته به نوع مرکز، امکانات مالی و سیاستهای جاری یک کشور، این مراکز می توانند انعطاف پذیریهای بسیاری داشته باشند.

می توان از این مراکز برای اهداف آموزشی و کمک آموزشی به عنوان مراکز مواد و منابع کمک آموزشی و نیز در زمینه ابزارها و رسانه های مختلف برای آموزش و یادگیری به طرق مختلفی بهره گرفت.

ایوان ایلیچ با طرح فلسفه مدرسه زدایی از جامعه ، منکر نیاز فعلی و مبرم انسان قرن بیستم به مدارس موجود است، راه آشتی با این تفکر نو تنها با تاسیس و راه اندازی مراکز یادگیری امکان پذیر است.

ازدیدگاه ایلیچ مدارس رسمی که به صورت امروزی وجود دارند زاییده نیازهای انسان و زندگی در دوران صنعتی گذشته است.

به نظر میرسد فکر ایجاد مراکز یادگیری در ابعاد گذشته و آینده نقش اصلی را برای سیاستهای اطلاع رسانی عصر ما فراهم می سازد.

ایجاد این مراکز، در واقع، آشتی با نیازهای واقعی و شرایط محیطی ما خواهد بود.

مراکز یادگیری با این هدف می توانند:

۱- به پیشبرد اهداف عالی کمک کنند و نیازهای فردی و اجتماعی را به یادگیری برآورند.

۲- یک نظام برای جانشینی آموزشهای رایج بسازند.

۳- با ارائه خدمات یادگیری و فراهم ساختن یک سیستم شبکه ای یکپارچه می توانند خلاقیت و نوآوری را در افراد جامعه و امکانات آن را روز به روز بهبود بخشند.

۴- از طریق این مراکز برنامه های اطلاع رسانی جامعه می تواند بر اساس علوم خاص این رشته و با استفاده از رهیافتهای روانشناسی شناختی راهگشای زندگی نو باشد.

۵- مراکز فراگیری مدارسی خواهند شد که در آنها نیازها به جای خواستها مبنای یادگیری خواهند بود.

مراکز مواد و منابع آموزشی یا مراکز فراگیری

مراکز مواد و منابع آموزشی ← در خدمت یا در کنار نظام آموزشی

مراکز فراگیری ← در خدمت نیازهای یادگیری فردی

مراکز مواد و منابع اموزشی در واقع کمک به معلم برای رسیدن به هدفهای آموزشی تعیین شده ، نه کمک به ما برای یادگیری آنچه بر اساس شرایط موجود و تغییرات سریع پیش آمده به دانستن آنها نیاز داریم و می خواهیم یاد بگیریم.

در حالیکه فکر ایجاد مراکز فراگیری پاسخ به نیازهای واقعی و یادگیری آن چیزهایی است که فرد به آن نیاز مییابد و برای زندگی کردن و پیشرفت سطح زندگی در رسیدن به آنها احتیاج اطلاعاتی دارد.

تفکر آموزشی-یادگیری

در تفکر آموزشی، که مراکز مواد و منابع اموزشی در خدمت مدرسان قرار میگیرد، مدیریت اجتماعی ما نیز تحت تاثیر قرار میگیرد. وقتی مبنای رشد فکری و استعدادهای فرد را بر اساس آموزش پایه گذاری می کنیم، مدیریتها نیز هر گاه نیازی را برای بالا بردن سطح دانش کارمندان پیش بینی می کنند، دوره ای را برای کار آموزی تدارک می بینند و اموزش آن را به سازمان ابلاغ می کننند.

اگر افراد آزاد گذاشته شوند که در صورت احساس نیاز به این دوره ها، در ان شرکت کنند، داشتن و برگزاری چنین دوره هایی می تواند از جمله وظایف و شرایط مدیریتی یک مرکز فراگیری قلمداد و از آن به عنوان یک منبع خوب اطلاعاتی به طور مفید و موثر استفاده شود.

در نحوه برنامه ریزی آموزشی و یادگیری است که یک مرکز مواد و منابع می تواند متفاوت باشد، مراکزی که در آن آموزش به عنوان یک منبع یادگیری تلقی می شود که افراد به دلیل نیاز خاص در آن شرکت جویند نه اینکه یک مدیر با اجباری کردن آن انتظارات خاصی را اعمال کند.

نظام باز یا بسته؟

در **نظامهای باز** یک مجموعه هماهنگ شده، **پیوسته با محیط خود عمل متقابل انجام می دهد**، این نظام تحت تاثیر تعاملات با محیط خود شرایط داخلی خود را طوری تنظیم می کند که با هدفهای مورد نظر همخوانی بهتری داشته باشد.

هرچه یه نظام با عوامل محیطی کمتر کنش و واکنش داشته باشد، کنترل اجزاء و عوامل تشکیل دهنده آن برای ایفای نقشهای محول شده آسان تر خواهد بود و برعکس تعاملات با محیط بر عوامل و اجزای تشکیل دهنده تاثیراتی می گذارد که کنترل گردش کار را مشگل تر می نماید، اما در رسیدن به هدفها بهتر عمل می کند.

چنانچه نظام یک مرکز فراگیری آمادگی لازم را برای **پذیرش تغییرات** نسبت به نیازهای متغییر و روز افزون جامعه از خود نشان دهد **مدیریت موفق** و **نظامی باز** را ارایه خواهد کرد، در حالیکه اگر نتواند با تغییرات محیطی و تقاضاهای پیش آمده خود را تطابق دهد با مدیریتی ضعیف روبرو خواهد بود.

چرا اصولا به مراکز فراگیری نیاز داریم؟

مدارس و دانشگاههای رسمی ما که آموزش و پرورش شتابت و قالبی را ارائه می دهند، دیگر نمی توانند متناسب با سرعت تغییرات به وجود آمده و در حال پیشرفت، پا به پای افزایش کیفی و کمی اطلاعات در جهان امروز، منابع متناسب با شرایط روز و مورد نیاز را برای جامعه امروزی فراهم کنند. در بسیاری از مدیریتها کارمندان خود باید مسئولیت تطابق با این تغییرات پیش آمده را بر عهده بگیرند، مدیریت تنها هماهنگی عوامل اداری را با تغییرات جدید به عهده میگیرد در چنین شرایطی همه افراد و کارمندان ناگزیر از پرورش امکانات فردی خویش برای تطابق با تقاضاهای جدیدند. این امر به نوبه خود فشار بیشتری بر آنها می اورد تا احساس مسئولیت کنند و برای پیشرفت امکانات فردی خود به طور طبیعی بکوشند

تفکر جبری و لذت داشتن انتخاب

در شرایط اجبار برای رشد دانش، رنج و سختی لازمه یادگیری خواهد بود برای گریز از اجبار، فراگیر انواع ترفندها را به عنوان یک واکنش طبیعی ازخود نشان می دهد.

اگر به جای این احساس جبر و واکنشهای ریاگونه، اختیار در یافتن اطلاعات و احساس نیاز و برآوردن چنین نیازهای دانشی برای گسترش خویش عامل یادگیری فرد قرار گیرد، نه اعمال فشاری نیاز خواهد بود و نه نصیحت و پند و اندرزی.

آموزشی که برای آن، به جای معلم، دانش آموز یا به عبارت درست تر ، فراگیر تلاش یادگیری را خود بر عهده میگیرد . معلم رنج یا لذت یادگیری را به او واگذار می کند. در این شرایط به جای اینکه برای آموزش برنامه ریزی کنیم بهتر است برای یادگیری مبتنی بر رفع نیازهای پیش آمده برای گسترش خویش طرح ریزی کنیم.

اهمیت مراکز یادگیری در رابطه با مشاغل

شکی نیست که هدف نهایی پرورش و تربیت یک نسل ، ایفای نقشهای متعددی است که جامعه بر عهده فرد می گذارد و این نقشها به عنوان یک شغل و محل درآمد زندگی افراد آن جامعه را تشکیل می دهد.
منصفانه باید پذیرفت که بیشتر ایام زندگی یک فرد که به صورت فعال و مفید می گذرد، در محیط کاری او سپری می شود. در چنین وضعیتی اگر فرد نتواند احساس کند که شخصا از شغل خود راضی است و عامل مفیدی هم برای خود و هم برای دیگران است، رفته رفته با دلسرد شدن از چنین شرایطی کمتر خود را متعهد به کار دانسته و از آن انتظارات کمتری هم خواهد داشت.
اگر خود یا از طریق مسئولان خود نتواند بفهمد که چگونه میتواند با انجام دادن بهتر یک کار از آن لذت ببرد، دیر یا زود، بر اثر انتقاداتی که از او می شود کارش را از دست خواهد داد.

وقتی سازمانی توانست نیازهای خود را برآورده سازد و در نظام مدیریتی خود کاری کند که کارمندان این سازمان نیز چنین وضعیتی را پیدا کنند، آن وقت خواهد توانست برای رفع نیازهای اطلاعاتی پیش آمده و در جهت پیشرفت، گامهای موثری بردارد. یکی از این گامها مهم در این زمینه انتقال نقش اداره آموزش سازمان به مراکز خود جوش و آزاد فراگیری خواهد بود .

بدون داشتن چنین مراکزی در حقیقت افراد و کارکنان یک سازمان نخواهد توانست در صورت احساس نیاز به اطلاعات و تطابق با تغییرات ایجاب کننده، به جایی مراجعه کنند که نیازهای پیش آمده اطلاعات در مورد خودگستری را برآورده سازد.

نیازهای اطلاعتی

در مراکز یادگیری ارضای نیازهای پیش آمده بسیار دشوارتر از شرایطی خواهد بود که به طور سنتی در یک محیط کاری پیش می اید و حل میشود.

یک مدیر وقتی نیاز به دانش و اطلاعات در یک موضوع خاص را در خود یا افراد تحت تکفل خویش احساس می کرد، تنها کاری که لازم بود انجام دهد این بود که گوشی تلفن را بر میداشت و با بخش آموزش سازمان صحبت میکرد.

ولی این امر در موقعیت امروز به دلیل تغییرات مداوم و بالا رفتن سطح اطلاعات و مهارتهای لازم برای تطابق با انها ممکن نخواهد بود.

در واقع باید کارمندان دایم در حال آموزش باشند تا بتوانند تغییرات لازم را در خود و رفتار خود برای برخورد با این تغییرات و خواستهای پیش آمده به وجود اورند.

دیگر نیاز به برانگیخته سازی ایشان برای یادگیری وجود نخواهد داشت، بلکه آنان به طور خود جوش برای رفع نیازهای دانش خود دست به کار خواهند شد.

مراکز فراگیری در سازمانها

با داشتن یک مرکز فراگیری، کارمندان و افراد یک جامعه می توانند حتی برای رفع نیازهای شخصی و در جهت پیشبرد اهداف کاری،شغلی، رشد ملی و اقتصادی و فرهنگی و نیز برای بقای خود در یک شغل، دست به یک مسابقه برای یادگیری بزنند.

با فناوری آموزشی دسترسی به فرهنگ و یادگیری به طور یکسان برای همه میسر خواهد شد.

همچنین امکانات فناوری جدید اطلاعات به ما اجازه را می دهد که با ایجاد کنفرانسهای تصویری از راه دور با هیتهای دانشگاهی محاوره و گفتگوی علمی تشکیل دهیم یا به بزرگترین کتابخانه های جهان از راه متصل شویم و از بانکهای اطلاعاتی آنها استفاده کنیم.

دستاوردهای فناوری آموزشی بدین ترتیب، نحوه کابرد سیاستهای ملی را در اطلاع یابی، تنظیم و کنترل خواهد کرد.